

شفاعت

(۳)



آیت الله حسین نوری

رشته بحث ما اخیراً در ضمن بحث های مبسوط «معاد» درباره شفاعت روز قیامت که یک اصل از اصول اسلامی است باین نقطه منتهی گردید که چه کسانی در آنروز بمناسبت اینکه در پیشگاه حضرت حق از وجهه و موقعیت خاصی برخوردار میباشند به شفاعت قیام خواهند کرد و به این وسیله تعدادی از گناهکاران که شایستگی شفاعت دارند را از عذاب الهی و سقوط قطعی نجات خواهند داد و مشمول رحمت الهی و شایسته انتقال به بهشت خواهند ساخت. در این رابطه همانطور که مشروحاً ذکر گردید نخستین شفیع روز قیامت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله میباشند.

اکنون در این مقاله با توفیق خداوند متعال یکی دیگر از چهره هائی که از شافعان بزرگ روز قیامت است را معرفی می کنیم و آن چهره درخشان، قرآن مجید است که در این مورد احادیث بسیاری از اهل بیت علیهم السلام رسیده است و ما بذکر دو نمونه از آنها اکتفا میکنیم:

الف - حضرت باقر علیه السلام به یکی از محدثین که «سعد» نام داشت فرمودند:

ای سعد قرآن را یاد بگیر و با معانی و مفاهیم و محتوای آن بطور کامل آشنا شو و زیرا قرآن در روز قیامت دارای مقام بسیار شامخی است و با نیکوترین چهره در حالی که همه انسانها تعداد ۱۲۰ هزار صف - که ۸۰ هزار از آن صف ها امت حضرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و ۴۰ هزار صف ملت های دیگر میباشند - را تشکیل میدهند وارد صحرائی محشر میشود هنگامی که مردم در آن صحنه با عظمت آن

زیبائی و جمال و مهابت را می بینند میگویند آن حشماً یکی از مؤمنان است که نور ایمان از سیمایش آشکار است ولی از همه ما کاملتر و در خواندن و عمل کردن بقرآن از همه ما کوشاتر بوده است و در نتیجه این موقعیت، این جمال و زیبایی و شکوه و درخشندگی باو داده شده است. معلوم از این مطالب و مطالبات شریفی سپس از برابر چندین صف عبور میکند و در برابر صف شهدای راه حق قرار میگیرد هنگامی که شهیدان راه حق او را با این چهره زیبا و سیمای درخشان می بینند میگویند این شخص از شهدا است ولی باید از «شهیدان دریا...» باشد یعنی در تبرد دریائی بفيض شهادت نائل گردیده است و اینچنین زیبایی و درخشندگی را بدست آورده است و بعد از آن از آنجا نیز عبور کرده در مقابل صف شهیدان دریا قرار میگیرد آنان هنگامی که چهره زیبا و درخشندگی خاص آنها را می بینند با شگفتی فراوان میگویند این شخص با این چهره و جمال باید از «شهدای دریا» باشد ولی این زیبایی و درخشندگی گواه آن است که پیش از ما در راه رسیدن بمقام

شهادت رنج برده است.

از آنجا نیز عبور کرده در صف پیغمبران

گام میگذارد آنان نیز با دیدن او با شگفت فراوان

مینگرند و چنین تصور میکنند که این شخص

پیغمبر است ولی دارای مقام والاتر از مقام آنها

میباشد و بالاخره همه آنها به محضر مقدس رسول

اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب میگردند و از

آنحضرت حقیقت را استفسار میکنند حضرتش در پاسخ

میفرمایند آیا این شخص را نمی شناسید؟ این

حجت خدا است بر مردم، از آن پس از آن نقطه

نیز عبور کرده بصف فرشتگان وارد میشود آنها نیز

از دیدن جمال و زیبایی و درخشندگی او تعجب

میکنند و میگویند این از فرشتگان است اما مقام

و موقعیت آن در پیشگاه خداوند از ما بالاتر است

و از همین جهت این درخشندگی و عظمت را

بدست آورده است و پس از عبور از این مواضع در

زیر عرش خداوند در پیشگاه یا عظمت حضرت

حق سجده میافشد در این حال خداوند باو

میفرماید: «ای حجت من و کلام صادق و ناطق

من در روی زمین، سر از سجده بردار و شفاعت

کن که شفاعت تو پذیرفته است» و او سر از

سجده بر میدارد پس خداوند باو میگوید: بندگانی

مرا در رابطه با خود چگونه دیدی؟

در پاسخ میگوید:

پرووردگارا گروهی از آنها احترام و موقعیت

مرا در نظر گرفتند و وظائف و مقرراتی را که من

بیان کردم مورد عنایت قرار دادند ولی گروه

دیگری موقعیت مرا در نظر نگرفتند و در برابر من

جنبه گیری منفی و مخالف داشتند. پرووردگارا

متعال در پاسخ میفرماید: بعزت و جلال و عظمت

مقام خود سوگند یاد میکنم که امروز بهترین پادشها را بکسی که احترام و موقعیت تو را رعایت کرده و محتویات ترا مورد عمل قرار داده است عنایت میکنم و کسانی را که احترام تو را رعایت نکردند و آنچه که در پیرایشی عمل نکردند مشمول دردیها کترین عذاب خود میگردانم.

در اینحال قرآن شفاعت میبرد از و کسانی که در زندگی دنیا با آن رابطه مثبت داشتند و نظرات عدل، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی قرآن را سرمشق خود قرار داده اند با شفاعت خود وارد بهشت میسازد. خداوند در این مورد به قرآن میفرماید باین فراد که با شفاعت تو وارد بهشت گردیدند ۵ چیز عطا میکند:

۱. جوانی ای که هرگز پیری در دنیا نداشت.
۲. ندرستی که هیچوقت بیماری درین نخواهد داشت.
۳. توانگری هینگی که دیگر فقر را هرگز نخواهد دید.
۴. شادمانی دانشی که هیچوقت غم و اندوه بر آن ظاری نخواهد شد.
۵. زندگی جاویدان که هرگز در پشت سر آن مرگی وجود نخواهد داشت!

بعد حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «وَاتَّقُوا أَنْ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْتَابُ وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَالنَّحْدُ الَّذِي لَا يُكْدِبُ وَمَا خَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَعَدَّ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِرَبَادَةٍ أَوْ لُقْضَانٍ زِيَادَةٍ فِي عُقْبَتِهِ وَتَقْضَانٍ مِنْ عَمْسٍ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عِلْسٌ أَحَدٌ عَدَدَ الْقُرْآنَ مِنْ عَاقِبَةٍ وَلَا أَحَدٌ قَبْلَ الْقُرْآنَ مِنْ عَمْسٍ فَاسْتَشْفَوْا مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَاوَانِكُمْ فَإِنَّ شِفَاءَهُ مِنْ أَلْبَانِ الْكُفْرِ وَالنَّفَاقِ وَالْعَيْنِ وَالضَّلَالِ

نقیه از غروب نور

بیت شعری است که ابوطالب در مدح من سروده است و لینی سزا است فرزندم - که قرآن بخوانی و بجای آن این آیه را تلاوت کنی: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَبْصُرَ اللَّهَ شَيْئاً وَسِعْزِي الشَّاكِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۴۴)

فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَخَّهُوا إِلَيْهِ بَحْثَ وَلَا سَأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ أَنَّهُ مَا تَوَخَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ بِمِثْلِهِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ وَمَنْقَعٌ وَقَاتِلٌ وَ مَصْدُقٌ وَأَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ لَهُ مِنْ مَحَلِّ بِهِ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَّقَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ بَادِي مَنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنْ كَلَى حَارِثٌ مَسْتَلَى فِي حَرْثِهِ وَعَاقِبَةُ عَمَلِهِ نَحْرُ حَرْثَةِ الْقُرْآنِ فَكُونُوا مِنْ حَرْثِهِ وَابْتَاعُوا وَاسْتَلَوْهُ عَلَى رَبِّكُمْ وَاسْتَصْحَوْهُ عَلَى انْفُسِكُمْ وَأَنْهَمُوا عَلَيْهِ أَرْبَابَكُمْ وَاسْتَعْنُوا بِهِ أَهْوَالَكُمْ.

یعنی: بدلیل این قرآن نصیحت کننده و پنددهنده ای است که هرگز خیانت نمیکنند و راهنمایی است که گمراه نمیآید و سخنگویی است که هرگز دروغ نمیگوید و هیچکس با این قرآن مجالست نکرد و رابطه ای بر اساس تفکر و فهم و اندیشه و عمل با آن برقرار نمود مگر اینکه همیشه از نزد آن برخواست و با موزندگی قیام نمود یا هدایت و دستکاری او افزایش یافت و یا کوری و گمراهی او نقصان و کاهش پیدا کرد.

بدانید برای هیچکس بعد از قرآن (یعنی بعد از تدبیر و اندیشه در معانی قرآن و عمل با آن) فکری باقی نماندند باین معنا که بطور کامل به جای فرهنگ، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نائل میشوند.

و برای آجندی پیش از قرآن (پیش از آشنا شدن به قرآن و عمل با آن) توانگری نیست. یعنی هیچ وسیله ای غیر از قرآن نمیتواند عنایت فرهنگی

سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی انسان را بطور کامل فراهم کند. بنابراین شفاي دردهای خود را چه دردهای جسمی و چه مرضهای روحی - چه مادی چه معنوی، از قرآن بخواهید و در سختیها و گرفتاریها از آن کمک بطلبید زیرا شفاء و بهبودی برای بزرگترین دردها که کفر و نفاق و نسامی و

گمراهی است منحصرأ در قرآن وجود دارد روی این جهات، بوسیله قرآن مطالب خود را از خداوند بخواهید و با محبت به قرآن بخواند توجه کنید و هرگز آنرا وسیله خواهش و طلب از بندگان خدا قرار ندهید زیرا بندگان خدا با هیچ وسیله ای که از لحاظ عظمت مانند قرآن باشد بخوانند و نیساورند و بدانیید قرآن در روز قیامت شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته میگردد و گوینده ای است که گفتارش مورد تصدیق قرار میگیرد و کسی که در روز قیامت مورد شفاعت قرآن قرار بگیرد شفاعت قرآن درباره او قبول میشود و اگر قرآن در روز قیامت بر ضرر کسی سخن بگوید نیز مورد تصدیق قرار میگیرد. چه اینکه در روز قیامت ندا کننده ای ندا میکند آنگاه باشید هر کشتکاری در عاقبت عمل و کشته خود گرفتار است مگر کشتکاران قرآن (یعنی: کسانی که بر اساس راهنمایی های قرآن در کشتزار دنیا بذراقتی نمودند و مزرعه هائی بمنظور بوجود آوردن انواع نیکی ها بوجود آوردند) پس شما از کشت کنندگان و پیروان قرآن باشید و آنرا فقط راهنمای بسوی پروردگارتان قرار بدهید و از آن ابدرز بگیریید و اندیشه هائی را که بر خلاف جهت قرآن بوجود میآید متهم بسازید و هر خواهشی که در برابر قرآن و مخالف آن است را خوارکنان بدارید.

ادامه دارد

۱. شهدائی که در جهاد در راهی شهادت رسیده باشند بر اساس احادیث اسلامی دارای فضیلت و اجر بیشتر می باشند.
۲. اصول کافی، ج ۲ ص ۵۹۶-۵۹۸.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

- محمّد «حق» پیامبر خدا است که قبل از او پیامبرانی آمده اند و رفته اند، پس اگر از دنیا بروی کشته شود، آیا شما به گذشتگان خود باز می گردید؟ هر کس به آئین گذشتگان باز گردد، هرگز به خداوند ضرری نمی رساند و همانا خداوند شاکران و سپاسگزاران را پاداش خیر می دهد.

بشت آسمان شد خم، زیرا با این هانم چشم ابرشد برتم، در فضیلت خاتم